



رابطه اعمال ناشایست انسان با عدم استجابت دعا/ کار خوب کنید تا دعایتان مستجاب شود

همیشه ما از علمای دینی شنیده ایم که اگر انسان دعا کند خداوند جواب او را می دهد، اما باید دانست کسی که از یک سو دعا می کند و از سوی دیگر اعمال ناشایست هم انجام می دهد این اعمال مانع استجابت دعاها می شود و راه رسیدن خیر را به او سد می کند.

همیشه ما از علمای دینی شنیده ایم که اگر انسان دعا کند خداوند جواب او را می دهد، اما باید دانست کسی که از یک سو دعا می کند و از سوی دیگر اعمال ناشایست هم انجام می دهد این اعمال مانع استجابت دعاها می شود و راه رسیدن خیر را به او سد می کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، دعا یکی از بهترین راه های ارتباط بنده با خدا است، اما خیلی از افراد ممکن است در ذهن خود این شائبه را داشته باشند که خیلی از دعاهایشان اجابت نمی شود. در پاسخ به این شائبه می توان به موضوعات زیادی اشاره کرد، اما بدون شک یک پاسخ این است که اعمال ناشایست خود ما علت عدم استجابت خیلی از دعاها می باشد. چرا که اعمال ناشایست موجب دلبستگی به غیر خدا و چه بسا موجب دلبستگی به چیزی شود که مبعوض خداوند است و در این صورت چگونه ممکن است انسان به پیشگاه خداوند بار یابد؟ کسانی توجه خالص و کامل به خداوند پیدا می کنند که اعمالشان صالح و شایسته و به دور از آلودگی باشد از این روست که پیامبر(ص) می فرمایند؛ با اعمال شایسته و نیک همان قدر دعا کافی است که برای غذا نمک کافی و لازم است.

همان طور که برای غذا مقدار معینی نمک لازم و کافی است و به بیش از آن نیاز نیست، همین طور کسی که اعمال شایسته دارد، به همان میزان که نمک برای غذا کافی است، دعا ضرورت دارد و به واقع دعا به منزله نمک برای زندگی انسان سعادت پیشه است. پس لازم نیست که پیوسته دعا و درخواست کند و به مجرد دعا و درخواست از خداوند، پروردگار به درخواستش پاسخ می گوید، اما آنان که اعمالشان شایسته نیست و به دیگران خدمت نمی کنند، اگر فراوان هم دعا کنند معلوم نیست به حالشان سود بخشد. پیامبر(ص) می فرمایند: مثل کسی که بدون عمل شایسته دعا می کند، مثل کسی است که بدون کمان تیر می افکند.

در روایات و سخنان بزرگان دین آمده که خداوند کریم تر از آن است که کسی را که به در خانه اش آمده، از خود براند و به او پاسخ ندهد، اما کسی که دعا می کند و در سایر امور به وظیفه خود عمل نمی کند و آثار بندگی در رفتار او ظهور نمی یابد، توجه کامل به خالق ندارد و وضعش بسیار متفاوت است از کسی که در همه کارها و رفتار او آثار و جلوه های بندگی خداوند هویدا است.

انسان باید زندگی اش سراسر بندگی و عبادت خداوند متعال باشد، چه در شئون فردی و شخصی و چه در ارتباط با خانواده، همسایگان نیز نسبت به جامعه و خلق خدا، باید آثار بندگی از رفتار و اعمال انسان ظاهر گردد، در ضمن دعا نیز بکند چرا که همین دعا اثر بندگی خداست که از زبان ظاهر می گردد و مسلماً آن درخواست و توجه باید از صمیم دل باشد.

البته انسان با اعمال نیک و شایسته خیلی زود به اهدافش می رسد و وقتی دعا می کند به کسی می ماند که با کمان تیر می افکند و خیلی سریع تیرش به هدف اصابت می کند. او مثل کسی است که غذایش آماده است و فقط مقداری نمک باید به آن اضافه گردد تا برای خوردن آماده شود. پس اعمال نیک و شایسته انسان را به خواسته هایش نایل می سازد.

البته خواسته های افراد مختلف است کسانی که مراتب عالی بندگی خداوند رسیده اند، خواسته هایشان خیلی عالی است، خواسته های آنها از قبیل قرب خداوند، بی نیازی از خلق و راهیابی به سعادت دنیا و آخرت و نیز دوام نعمت هایی است که خداوند به آنها عنایت فرموده است. آنها معتقدند که فقط خداوند متعال، خواسته های آنها را تامین می کند، نه کس دیگری. اما کسانی که در مراتب پایین بندگی و معرفت خداوند قرار دارند در فکر شکم، مسکن و لباس هستند و خواسته هایشان در ارتباط با آنهاست و البته خداوند نیازهایشان را برطرف می سازد.

بنابراین انسان اگر به اصلاح نفس خود و انجام وظایف همت گمارد زودتر به اهدافش می رسد و خداوند دعایش را اجابت می کند، فرق هم نمی کند دعای او در ارتباط با خودش باشد یا دیگران، خواسته های او دنیوی باشد یا معنوی و اخروی. البته انسان باید

اعمال خیر دهد و ممکن است آثار واقعی و پاداش های شایسته و حقیقی اعمال خیر او در آخرت ظاهر می گردد، چرا این دنیا تنها محل کار کردن است و پاداش واقعی در آخرت داده می شود.

منابع :

- نهج البلاغه، خ 42

- بحار الانوار، ج 40 و 70

- آیه 96 سوره مبارکه اعراف